



## مرگ دلخراش دختر تالشی به دست پدر

مردی در اقدامی جنون آمیز دختر ۱۳ساله‌اش را به سر طرز دلخراشی به قتل رساند و خودش را به مأموران پلیس معرفی کرد. به گزارش جوان، عصر روز پنج‌شنبه اول خردادماه بود که مأموران پلیس شهرستان تالش استان گیلان از قتل دختر ۱۳ساله‌ای با خیر راهی محل شدند. مأموران پلیس در محل حادثه در روستای سفید سنگان لمبر از بخش حویق با جسد غرق به خون دختر نوجوانی به نام رومینا روبه‌رو شدند که حکایت از این داشت به دست پدرش به قتل رسیده است.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه مأموران پلیس در محل حادثه متهم را که مرد ۳۷ساله‌ای است، بازداشت کردند و به اداره پلیس انتقال دادند. متهم در بازجویی‌ها به قتل دخترش اعتراف کرد.

بررسی‌های و تحقیقات محلی نشان داد چند روز قبیل مقتول همراه پسر مورد علاقه‌اش از خانه فرار می‌کند که پس از مراجعه به خانه به دست پدرش به قتل می‌رسد. همچنین به گفته اهالی محل، متهم پس از قتل دختر نوجوانش در حالی که داس خوبی در دست داشته از منزل خارج شده و به قتل دخترش اعتراف کرده است.

سرهنگ مجید رسول زاده فرساد، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان گیلان درباره قتل دختر ۱۳ساله تالشی توسط پدرش گفت: متهم پس از دستگیری در بازجویی‌ها علت وقوع قتل را اختلافات خانوادگی، فرار دخترش از خانه به خاطر ازدواج با یک مرد ۲۰ساله و اختلاف سنی زیاد آنها عنوان کرد.

تحقیقات از متهم از سوی مأموران پلیس ادامه دارد.

## نجات ۳۰ نفر

## از میان دود و آتش

آتش نشانان تهرانی ۳۰نفر از ساکنان مجتمع مسکونی را که دچار آتش‌سوزی شده‌بودند، از میان دود و آتش نجات دادند.

به گزارش جوان، این آتش‌سوزی ساعت ۲:۲۰ بامداد دیروز به آتش‌نشنان ایستگاه‌های ۶۱۶ و گروه امداد و نجات ۴ از سوی شهرداری اطلاع داده شد. با اعلام این خبر آتش‌نشنان در محل حادثه در خیابان باهنر، خیابان منظره به حاضر شدند که در یافتن آتش‌سوزی از اتاق خواب یکی از واحدهای این مجتمع مسکونی در طبقه اول رخ داده به‌طوریکه دود ناشی از آن همه ساختمان را فرا گرفته است.

مهدی صادقی، فرمانده آتش‌نشنان اعزامی گفت: آتش‌نشنان با رعایت نکات ایمنی و بستن دستگاه‌های تنفسی به دو گروه تقسیم شدند و همزمان با خاموش کردن آتش‌سوزی، ۳۰ نفر از ساکنان ساختمان را از میان دود و آتش به بیرون، از مجتمع انتقال دادند و دود ناشی از آتش‌سوزی را به وسیله فن‌های فشار قوی به خارج از ساختمان تخلیه کردند.

به گفته وی در این حادثه خوشبختانه به هیچ‌یک ساکنان این مجتمع آسیب‌ترسید و علت بروز این آتش‌سوزی توسط کارشناسان آتش‌نشانی در حال بررسی است.

## مرگ مشکوک ۲ برادر

## بررسی می‌شود

دو برادر جوان به طرز مشکوکی در خانه مجردی‌شان در تهران به کام مرگ رفتند.

به گزارش جوان، ساعت ۲۰:۳۰ شامگاه دوشنبه ۵ خردادماه قاضی واحدی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری جامی از مرگ مشکوک دو برادر در خانه‌ای حوالی خیابان دانشگاه با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی رایی محل شد.

تیم جنایی در محل حادثه با جسد دو برادر ۲۳ساله و ۲۵ساله روبه‌رو شدند که به طرز مرموزی به کام مرگ رفته بودند.

بررسی‌ها نشان داد برادر کوچکتر دانشجو بوده و برادر بزرگ‌تر هم در بازار کار می‌کرده است که از مدت قبل در این خانه به صورت مجردی زندگی می‌کرده‌اند.

همچنین مشخص شد پدر و مادر این دو برادر که استاد دانشگاه هستند از هم جدا شده‌اند و یکی در مشهد و دیگری در رشت زندگی می‌کند.

یکی از دوستان دو برادر فوت شده به مأموران گفت: چند روزی بود از دوستانم بی‌خبر بودم که به در خانه‌شان رفتم تا سری به آنها بزنم اما آنها در را زوی من باز نکردند. نگرانشان شده و به اداره پلیس آمدم و موضوع را خبر دادم که پس از تخریب در آپارتمانشان از سوی آتش‌نشنان با جسد آنها روبه‌رو شدیم. همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه جسد دو برادر برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به دستور قاضی واحدی به پزشکی قانونی فرستاده شد.

مرد فریبکار که پس از قتل همسرش با گوشی تلفن همراه وی برای دوستان و پیامک می‌فرستاد سر انجام بازداشت شد. به گزارش جوان، روز جمعه ۲۶ اردیبهشت‌ماه امسال زنی سراسیمه به اداره پلیس رفت و گفت خواهر ۳۶ساله‌اش به نام مینا به‌طور ناگهانی گمشده است.

وی در توضیح ماجرا گفت: خواهرم مینا مدتی است با شوهرش که مصیب نام دارد اختلاف پیدا کرده است و به همین خاطر از هم جدا زندگی می‌کنند. مینا بهیار بیمارستان است و مدتی است به خاطر اینکه بیمارستان‌ها برای مقابله با بیماری کرونا در آمادباش هستند، او را ندیدم. چند روز قبل تلفنی با هم حرف زدیم و طبق قراری که داشتیم امروز برای دیدنش به خانه‌اش رفتم اما در را زوی من باز نکرد.

وی ادامه داد: شوهر خواهرم همراه پسر ۱۴ساله‌اش در خانه‌ای در نزدیکی خانه خواهرم زندگی می‌کنند و خواهرم نیز هر چند روز یکبار برای دیدن پسرش به خانه شوهرش می‌رود. امروز وقتی خواهرم در را باز نکرد، احتمال دادم برای دیدن پسرش به خانه شوهرش رفته باشد که راهی آنجا شدم. خودروی خواهرم در پارکینگ خانه مصیب بود، اما شوهرش گفت که مینا چند روز قبل خودرواش را در خانه او پارک کرده و رفته‌است و دیگر از او خبری ندارد. الان نگران خواهرم هستم و احتمال می‌دهم برای او اتفاق بدی رخ داده باشد.

### کشف نخستین سرنخ

در حالی که تحقیقات برای پیدا کردن زن جوان ادامه داشت، مأموران پلیس در یافتند تعدادی پیامک از گوشی مینا به همکارانش ارسال شده‌است که در آن از طرف مینا نوشته شده «به خاطر خستگی و برای استراحت چند روزی به خارج از کشور مسافرت کردم.»

پس از این مأموران از طریق اداره گذرنامه موضوع را بررسی کردند که بررسی‌های محکایت از این داشت فردی با مشخصات مینا از کشور خارج نشده‌است و از سوی دیگر مشخص شد که مینا اصلاً محل کارش برای مسافرت مرخصی نگرفته است.

مأموران پلیس در شاخه دیگر از تحقیقات میدانی در یافتند پس از گمشدن زن جوان در سه مرحله از یکی از کارت‌های عابر بانک او مبلغ ۱۵ میلیون تومان برداشت و به حساب پسر ۱۴ساله‌اش واریز شده‌است. بررسی‌های دوربین‌های مدار بسته نشان داد عامل انتقال ۱۵ میلیون تومانی از کارت مینا به کارت پسرش، مصیب است. بنابراین چند روز قبل مأموران پلیس به دستور چهارم دادسرای امور جنایی تهران مصیب را به عنوان مظنون بازداشت کردند.

متهم ابتدا در بازجویی‌ها مدعی شد از سر نوشت همسرش بی‌خبر است اما وقتی با مدارک و دلایل روبه‌رو شد به قتل همسرش اعتراف کرد. قاتل پس از اعتراف به قتل برای ادامه تحقیقات در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

### مصیب بطور با همسر آشنا شدی و ازدواج کردی؟

سال ۸۰ بود که به خواستگاری مینا رفتم و با هم ازدواج کردیم. من کارمند اداره دولتی هستم و همسرم بهیار بیمارستان بود و زندگی خوبی داشتیم تا اینکه سال ۸۵ پسرمان به دنیا آمد. زندگی ما کمی شیرین تر شد و هر دو امید بیشتری به زندگی پیدا کردیم اما این

# پیامک از دیار باقی راز قتل را برملا کرد

### بعد چه شد؟

این موضوع ادامه داشت تا اینکه پدر زنم فوت کرد و بعد مادر زنم برای ادامه زندگی به تهران آمد. پس از آن اختلاف ما بیشتر شد چون همسرم دوست داشت در نزدیکی خانه مادرش زندگی کند و از او مراقبت کند. اما من موافقت نکردم. شهریور سال قبل مادر زنم هم فوت کرد که اختلافات ما دو چندان شد و همسرم مدعی بود، اگر پیش مادرش زندگی می‌کرد او فوت نمی‌کرد. همین موضوع باعث شد که دوباره از هم جدا زندگی کنیم.

### روز حادثه برای چه به خانه تو آمده بود؟

او همیشه برای دیدن پسرش به خانه من می‌آمد و از طرفی هم خیلی وقت‌ها به خاطر اینکه پارکینگ نداشت خودرواش را در پارکینگ خانه من پارک می‌کرد. آن روز هم برای دیدن پسرش آمده بود که با هم درگیر شدیم و این اتفاق افتاد.

### درباره روز حادثه توضیح بده؟

آن روز پسرم با گوشی مادرش بازی می‌کرد که متوجه شدم، او با دوستان و بستگان زیاد از تباط پیامکی دارد که به او گفتم چرا دیگران در زندگی ما دخالت می‌کنند و باعث اختلاف ما می‌شوند. از همسرم خواستم با بستگان و دوستانش مشورت نکند که ناراحت شد و سنگی که با آن گردو می‌شکستم برداشت و به پای من زد. خیلی عصبانی شدم و در یک لحظه کنترل‌م را از دست دادم و با هم درگیر شدیم. وقتی درگیری ما بالا گرفت کلیل برقی برداشتم و به دور گردنش انداختم و او را خفه کردم.

### زمان حادثه پسر تان کجا بود؟

او برای خرید به داخل خیابان رفته بود.

### متوجه قتل مادرش نشد؟

پس از اینکه او را به قتل رساندم خیلی پشیمان شدم و کمی گریه کردم. در نهایت تصمیم گرفتم جسد را به بیرون از خانه منتقل کنم. جسد را مثله کردم و داخل چند نایلون قرار دادم و در حال انتقال نایلون‌ها به صندوق عقب خودرو بودم که پسرم از راه رسید و واقعتاً راه او گفتم و پسرم هیچ عکس‌العملی نشان نداد.

جسد را به بیابان‌های حوالی شهر یار بردم و آنجا دفن کردم و بعد به خانه برگشتم.

### موضوع پیامک‌هایی که از گوشی همسرت به دوستانش می‌فرستادی چه بود؟

من خیلی ترسیده بودم و برای اینکه مأموران پلیس را فریب دهم پس از قتل از گوشی همسرم به دوستانش پیامک دادم که من برای تفریح به خارج از کشور رفتم. اما همین پیامک‌ها مرا گرفتار کرد. چرا از حساب همسرت پول برداشت کردی؟ من احتمال دادم به زودی گرفتار می‌شوم و به همین خاطر تصمیم گرفتم از حساب همسرم مقداری پول به حساب پسرم واریز کنم که در نبودن من مشکل مالی نداشته باشد.

### حرف آخر؟

خیلی پشیمان هستم و می‌دانم خطایی بزرگی مرتکب شده‌ام به همین خاطر از زندگی خسته شدم، به‌طوریکه چند باری تصمیم گرفتم به زندگی‌ام پایان دهم.



خوشی دوام زیادی نیاورد تا اینکه پس از یکسال و نیم با هم اختلاف پیدا کردیم. هر روز اختلافات ما بیشتر شد و هر روز هم در دورتر می‌شدیم و در نهایت از هم جدا شدیم. پس از آن سرپرستی پسرم را به عهده گرفتم و همراه پسرم زندگی تازه‌ای را شروع کردم. اما دوست بردار نبود و سعی می‌کرد زندگی من را خراب کند.

مینا که جدا شده بود بطور در زندگی تو دخالت می‌کرد؟ من برای بزرگ کردن پسرم خیلی سختی کشیدم و به همین خاطر مدتی بعد تصمیم گرفتم از دواج مجدد کنم. وقتی از دواج کردن مینا دوباره به بهانه دیدن پسرش به خانه من رفت و آمد می‌کرد و باعث شد من با همسر دومم اختلاف پیدا کنم و در نهایت همسر دومم از من جدا شد و من تنها شدم. پس از آن جدایی از همسر دومم، مینا به من رجوع کرد و من هم به خاطر پسرم دوباره او را شروع به زندگی کردم اما باز هم به اختلاف بر خورد کردیم.

### چه اختلافی داشتید؟

همسر دومم بعد از جدایی مهربی ۲۸۳سکهای‌اش را به اجرا گذاشت و من مجبور شدم ۸۰سکه‌ها او را نقدی برداخت کنم و مابقی را هم به صورت قسطی برداخت می‌کنم و به همین خاطر از مینا انتظار داشتم بیشتر به زندگی‌اش توجه کند، اما او مدام بهانه می‌گرفت و می‌گفت برای ادامه زندگی به شمال کشور که خانواده‌اش آنجا زندگی می‌کردند برویم که من مخالف بودم و همین موضوع دوباره باعث اختلاف ما شد.

### چرا همراه او به شمال نرفتی؟

واقعتش مادرش در زندگی ما خیلی دخالت می‌کرد و به همین خاطر حاضر نشدم زندگی‌ام را به شمال کشور انتقال دهم.

# فرار مهمانان پس از سقوط مرگبار مردوزن جوان

شش سنگینی از بالا به پایین سقوط کرده‌است. پس از این همراه همسایه‌ها به داخل حیاط آمدیم که دفاعی بعد صدای هولناک دیگری به گوشمان رسید و بعد متوجه شدیم شش‌روین و این زن جوان در داخل حیاط کمتر از ۵دقیقه از هم از بالکن طبقه چهارم به پایین سقوط کرده و جان باخته‌اند. در حالی که همه شوکه شده‌بودیم مشاهده کردیم تعدادی از مهمان‌ها از خانه شش‌روین بیرون آمدند و فرار کردند. پس از این به سراغ همسر شش‌روین رفتم که او پشت در گریه می‌کرد و در راهم روی خودش قفل کرده بود و روی ما مدام باز نکرد و ما هم به پلیس خبر دادیم.

در حالی که قرار بود مأموران پلیس به دستور قاضی در آپارتمان را تخریب کنند زن جوان در را زوی مأموران پلیس باز کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: امشب شوهرم مهمانی

خانه‌اش جشن مهمانی برگزار می‌کند که پس از این حادثه همه مهمان‌ها از محل فرار می‌کنند و همسرش هم در خانه را برای روی همسایه‌ها قفل می‌کند. بدین ترتیب از آنجایی که موضوع سقوط زن و مرد جوان مشکوک به نظر می‌رسید قاضی واحدی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حادثه به تحقیق پرداختند.

یکی از همسایه‌ها که موضوع را به مأموران پلیس خبر داده بود، گفت: شش‌روین و همسرش مدتی است در طبقه چهارم این ساختمان زندگی می‌کنند. امشب هم متوجه شدیم این‌ها در خانه‌شان مشغول درند و تعدادی هم مهمان دعوت کرده‌اند. صدای جشن و پایکوبی آنها به گوش می‌رسید تا اینکه ساعتی قبل ناگهان متوجه صدای هولناکی شدیم که به نظر می‌رسید

### آکهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری هاچ بک تیپ AT-2071 مدل ۱۳۹۶، رنگ سفید شماره پلاک ایران ۳۸- ۱۵۵ س ۴۹ به شماره موتور 177B0009835 و شماره شناسی NAAR131F4E4HJ485427 متعلق آقای مسعود ابراهیمی بسایی با کدملی ۰۰۱۲۷۲۹۸۶۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. البرز

### آکهی مفقودی

برگ سبز و سند مالکیت خودرو سواری سایپا تیپ 131sx مدل ۱۳۹۰، رنگ سفید شماره پلاک ایران ۶۸- ۷۹۱ ۱۹ به شماره موتور ۴۲۹۶۸۲۴ و شماره شناسی S3412290977509 متعلق خانم مرزیه رشیدیان با کدملی ۳۳۴۱۲۳۹۲۶۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. البرز

### آکهی مفقودی

سند کمپانی و برگ سبز خودرو سواری پراید مدل ۱۳۷۸ به رنگ یشمی - متالیک به شماره پلاک ایران ۷۶- ۸۷۵ ۵۷ به شماره موتور 00128254 و شماره شناسی S1412278607605 متعلق آقای غفار صدیقی مانسک با کدملی ۲۵۹۲۶۹۶۷۲۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. میلان

### آکهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری سایپا تیپ SAINA مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۷۳- ۶۶۷ ۸۵ به شماره موتور M15/8460993 و شماره شناسی NAS831100H5733142 متعلق به آقای مرتضی یوسفی کوهجردی فرزند کریم با کدملی ۲۴۹۱۷۳۳۱۴۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. شیراز

### آکهی مفقودی

سند و برگ سبز خودرو سواری وانت زامیاد Z24NIB مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ایران ۸۴- ۳۹۹ ۲۳ به شماره موتور Z24725282Z و شماره شناسی NAZPL140BG0460303 متعلق به آقای غلامرضا ملانی سیرونی با کدملی ۳۴۷۹۴۳۷۷۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. شیراز

### آکهی مفقودی

سند مالکیت و برگ سبز خودرو سواری هاچ بک سایپا تیپ H11SE مدل ۱۳۹۷ به رنگ سفید به شماره پلاک ایران ۸۳- ۲۳۲ ۵۵ به شماره موتور M13/6155939 و شماره شناسی NAS4311001031863 متعلق به آقای احسان رحمانیان کوشکی فرزند مرتضی با کدملی ۲۴۷۱۰۱۱۴۸۹ با وکالت به آقای حسین کرمی فرزند محمدرضا با کدملی ۲۴۸۰۳۸۹۶۴۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. شیراز



## سارقان خودرو وهای اسنپ در ایستگاه محاکمه

پنج سارق خشن که پس از سرقت چند خودروی راننده اسنپ در پوشش مسافر کشی از شهروندان زورگیری می‌کردند، به زودی محاکمه می‌شوند.

به گزارش جوان، بیان سال ۹۷ مرد جوانی به نام فرامرز به اداره پلیس رفت و از سرقت خودرواش از سوی سه‌مرد ناشناس شکایت کرد. شاکی گفت: با خودروی پژو ۴۰۵ خودم به عنوان راننده اسنپ کار می‌کردم که ساعتی قبل در حوالی میدان آزادی سه‌مرد جوان را به عنوان مسافر به مقصد اسلامشهر سوار کردم. وقتی به مقصد رسیدیم سه مسافر طرابی به دور گردنم انداختند و قصد داشتند مرا به قتل برسانند که التماس کردم و آنها هم پس از سرقت خودروام و پول‌هایم مرا رها کردند.

با طرح این شکایت مأموران تحقیقات برای شناسایی سارقان مسافر‌نما را آغاز کردند که در یافتند متهمان با خودروی سرفتی در پوشش مسافر کشی از شهروندان زورگیری می‌کنند. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت مأموران یکی از سارقان را به نام ایرج که با خودروی سرفتی در حال رانندگی بود، بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به سرقت خودرو با همدمتی دو نفر از دوستانش به نام‌های حمید و سعید اعتراف کرد. پس از این مأموران پلیس دو همدمت او را بازداشت کردند. در حالی که سه متهم پس از تحقیقات تکمیلی با گذاشتن وثیقه آزاد شده‌بودند، مأموران پلیس با شکایت‌های مشابه دیگری روبه‌رو شدند که همگی حکایت از این داشت ایرج دوباره پس از آزادی با دو نفر دیگر از دوستانش به نام اصغر و بهرام خودروی چند راننده اسنپی را سرقت کرده‌اند. پس از این مأموران پلیس ایرج و دو همدمت جدیدش را دستگیر کردند. متهمان در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کردند. بدین ترتیب متهمان به زودی در دادگاه محاکمه می‌شوند.



## گیر کردن پای کارگر در آسیاب فلزی

گیر کردن پای کارگری در یک آسیاب فلزی مرغداری در مشهد مقدس باعث قطع انگشتان پای او شد. مدیر منطقه ۶ عملیات آتش‌نشانی مشهد مقدس گفت: روز دوشنبه نجاتگران آتش‌نشانی از گیر کردن پای کارگری در آسیابی با خیر و راهی محل شدند. بررسی‌های نشان داد کارگر ۴۵ساله یک مرغداری برای تمیز کردن قیف دستگاه آسیاب دان مرغ به داخل آن می‌رود که بر اثر صیقلی بودن به داخل آسیاب کشیده و دچار حادثه می‌شود.

مرتضی باقری افزود: پس از این حادثه همسر این مرد که در محل حضور داشته است بلافاصله دستگاه را خاموش می‌کند که نجاتگران پس از حضور اقدام به برش دستگاه و رهاسازی پای کارگر از داخل پروانه فلزی می‌کنند که مشخص می‌شود این مرد در این حادثه بخشی از انگشتان پایش را از دست داده است. در ادامه کارگر جوان برای سیر مراحل درمانی و انتقال به بیمارستان تحویل تکسین‌های اورژانس شد.